

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 16, No. 2, (Serial. 32), Summer 2023

Review Article

 10.30497/qhs.2023.243673.3681

20.1001.1.20083211.1402.16.2.13.1

Evaluation of the Theory of Being Toqifi (Being Divine) of the Verses of the Holy Quran from the Perspective of Scholars of the Islamic World

Mahdieh Khodaie Alvandi *
Hossein Ahmadi Sefidan **

Received: 07/09/2022

Accepted: 17/03/2023

Abstract

The purpose of the present research was to investigate and evaluate being Toqifi of the verses of the Qur'an from the point of view of two different groups. The issue of recent article was that from point of view of Shias and Sunnis, is the arrangement of verses in the Surahs of the Qur'an Toqifi or ijthadi? Through using the content analysis method, it was investigated the rational and narrative reasons of the Qur'anic verses being Toqifi or ijthad. The findings showed that Shiites and Sunnis agree on the question of the Toqifi of Qur'anic verses and they emphasized on the "proportion of the verses" and the "incorruptibility of the Quran". Thematic unity, the arrangement of the verses of the Quran and the arrangement of the verses within the Surahs are based on God's revelation and the Prophet's order that each Surah starts from a certain point and ends at a specific point. Although those who say that the arrangement of the verses is Ijthad, they consider the arrangement of a few verses to be the result of the Ijthad of the Companions, but in the present article, according to the reasons mentioned, it was proved that the verses are Toqifi.

Keywords: *The arrangement of the verses of the Quran, the order of the verses of the Quran, Toqifi, Ijthadi, the proportion of the verses.*

* Master student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran. mahdiyehkhodaie1996@gmail.com

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran. (responsible author).

ho.ahmadi@tabrizu.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۳۲
بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۷۴-۳۴۷

مقاله علمی - مروری

10.30497/qhs.2023.243673.3681



20.1001.1.20083211.1402.16.2.13.1

ارزیابی نظریه توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن کریم از منظر عالمان جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

مهديه خدایي الوندی
حسین احمدی سفیدان**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و ارزیابی توقیفی بودن آیات قرآن از منظر عالمان جهان اسلام بویژه عالمان دو مذهب شیعه و اهل سنت است. مسئله مقاله حاضر این است که از دیدگاه شیعه و اهل سنت چپش آیات در سوره‌های قرآن کریم، توقیفی است یا اجتهادی؟ بر این اساس در مقاله حاضر با استفاده از روش مطالعه کتابخوانه ای و تحلیل توصیفی، به بررسی دلایل عقلی و نقلی توقیفی یا اجتهادی بودن آیات قرآن از منظر اندیشمندان این دو مذهب شاخص در جهان اسلام پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر این مطلب است که عالمان شیعه و اهل سنت در مسئله توقیفی بودن آیات قرآن اتفاق نظر داشته و بر «تناسب آیات» و «تحریف ناپذیری قرآن کریم» تأکید دارند. در این میان، تنها مسائل اختلافی، مواردی مانند وحدت موضوعی، ترتیب آیات قرآن و چپش آیات در درون سوره‌ها می‌باشد. قائلان به اجتهادی بودن چپش آیات قرآن در درون سوره‌ها، تنظیم اندکی از آیات را حاصل اجتهاد صحابه می‌دانند اما اکثر عالمان جهان اسلام معتقدند که تنظیم و چپش آیات قرآن در سوره‌ها به وحی الهی و دستور پیامبر اکرم (ص) بوده و لذا تنظیم و ترتیب همه چیز در قرآن کریم، توقیفی است.

واژگان کلیدی

چپش آیات قرآن، ترتیب آیات قرآن، توقیفی، اجتهادی، تناسب آیات.

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
mahdiyehkhodaie1996@gmail.com

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
ho.ahmadi@tabrizu.ac.ir

این مقاله مستخرج از پایان نامه دانشجوی است.



طرح مسئله

توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها از دیرینه‌ترین مباحث علوم قرآنی می‌باشد چرا که در مورد ترتیب فعلی آیات در قالب سوره‌ها گفت‌وگو می‌شود و از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارد باید گفت توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌های قرآن به این مفهوم است که ترتیب آیات و جایگاه آن‌ها در سوره ثابت است و تغییر آن جایز نیست و از سوی خداوند می‌باشد و وحی شده به پیامبر (ص). از جهتی این بحث با مباحثی هم چون عدم تحریف قرآن و تناسب آیات و اعجاز قرآن ارتباط دارد چرا که با پذیرش توقیفی بودن ترتیب آیات و اعتقاد به وحیانی بودن چینش آیات شائبه هرگونه تحریف منتفی شده و نیز تنها در صورتی می‌توان تناسب میان آیات یک سوره سخن گفت که وحیانی بودن ترتیب آیات را پذیرفت و به اثبات رساند. در این بحث با توجه به بررسی‌ها مسئله توقیفی بودن ترتیب آیات مورد توجه دانشمندان و مفسران بوده است و در این باره کتاب‌ها و مقالاتی تألیف کرده‌اند اما این مسئله را از این لحاظ بررسی و ارزیابی نکرده‌اند و ما در پژوهش حاضر به بررسی مقایسه‌ای و ارزیابی نظرات فریقین در این مورد می‌پردازیم.

در حال حاضر پرداختن به این موضوع از این جهت اهمیت دارد با توجه به بررسی‌های انجام گرفته با دلایلی هم چون عقل، دلایل روایی صحیح، اجماع، و دلایل قرآنی ثابت خواهیم کرد که همه‌ی آیات قرآن به صورت توقیفی تنظیم شده است و از جانب خداوند می‌باشد و هیچ‌گونه دخالت بشری در ترتیب و چینش آیات صورت نگرفته است حال این سؤال مطرح می‌شود ترتیب آیات از دیدگاه فریقین حاصل رأی و اجتهاد صحابه بوده است یا ترتیب موجود از جانب خداوند و وحی شده به پیامبر (ص) می‌باشد؟ به عبارتی دیگر در شیعه و اهل سنت معتقدانی به توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب آیات وجود دارد یا خیر؟ در فریقین به توقیفی بودن معتقد می‌باشند یا نظرات دیگری نیز دارند؟ دلایل شیعه و اهل سنت در مورد اجتهادی و توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن چیست؟

پیشینه تحقیق

بحث از توقیفی بودن آیات قرآن مورد توجه مفسران و عالمان قرآنی بوده است. طرح مفصل و مستدل این مباحث در حوزه بحث‌های علوم قرآنی می‌باشد که در این مورد کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند که از جمله آن‌ها زرکشی در کتاب *البرهان فی علوم القرآن*، یک فصلی را به توقیفیت و

ترتیب آیات و سوره‌ها اختصاص داده و حتی اشاراتی را از عالمان اهل سنت در این مورد آوردند و ایشان روایاتی در این مورد می‌آورند و اجماع امت را در این موضوع بیان می‌دارند و نتیجه‌ای که از این بحث برمی‌آید که ایشان معتقد هستند ترتیب آیات در زمان خود پیامبر صورت گرفته است و خود پیامبر ناظر بر این مسئله بودند پس هیچ جای تردیدی در مورد این موضوع وجود ندارد (زرکشی، ۱۴۰۱ق).

هم‌چنین سیوطی در کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* فصلی را تحت عنوان تناسب آیات و توقیفی بودن آیات اختصاص داده است و به این نتیجه دست یافته‌اند که بدون شک و تردید این موضوع با توجه به اجماع و نصوص مترادف و روایات و از طریق وقایع تاریخی با توجه به تمامی این موارد ترتیب آیات توقیفی است و هماهنگی در آیات قرآن وجود دارد (سیوطی، ۱۴۲۱ق). هم‌چنین سیوطی در کتاب *التحییر فی علم التفسیر* خویش به بررسی این موضوع پرداخته است و اختلافات علماء را در این مورد بیان می‌دارند که عده‌ای قائل به توقیفی می‌باشند اما در مقابل عده‌ای عقیده به اجتهادی بودن را دارند و هم‌چنین به بحث مصحف حضرت علی (ع) پرداخته‌اند و ایشان در نتیجه بیان کرده‌اند که با توجه به آخرین آیات نازل و هم‌چنین اجماعی که بیان شد و این‌که در آخرین سال عمر پیامبر دوبار بر ایشان عرضه شد متذکر شده‌اند که ترتیب آیات توقیفی بوده است و این دلیل بر تناسب آیات می‌باشد (سیوطی، ۱۴۲۱ق).

سید قطب نیز در تفسیر *فی ظلال القرآن* به توقیفی بودن ترتیب آیات پرداخته است. ایشان در آغاز تفسیر خویش در سوره مبارکه بقره بیان کرده‌اند که طرز گردآوری و ترتیب آیات در هر سوره توقیفی می‌باشد و هم‌چنین روایاتی را از ابن عباس می‌آورد و در صدد اثبات این موضوع برمی‌آید و در نتیجه به توقیفی بودن ترتیب آیات نظر دارند (سید قطب، ۱۴۲۵ق).

زرقانی از عالمان اهل سنت در *مناهل العرفان* به صورت جدی و مستدل به بحث در این مورد پرداخته است ایشان نیز مانند علمای اهل سنت مسئله اجماع را بیان کرده است و گفته شده جایی برای اجتهاد صحابه در مورد ترتیب آیات وجود ندارد و ایشان نیز خاطر نشان کرده‌اند که در آخرین سال‌های عمر پیامبر دوبار قرآن بر ایشان عرضه شد (زرقانی، بی‌تا)، عالمان شیعه نیز در این زمینه کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند از جمله آقای محمد هادی معرفت در کتاب *التمهید* خویش به این موضوع پرداخته است حتی ایشان در کتاب خویش اشاراتی کرده است که بعضی از آیات متفرق نازل شده‌اند و آن آیات با تعیین و تصریح شخص پیامبر جای گذاری شده است

و نمی‌توان در مورد ترتیب آیات شبه‌های داشت و زمانی که پیامبر حاضر بودند این ترتیب انجام شده است و جای شکی نیست که ترتیب و نظم به دست پیامبر بوده است (معرفت، ۱۴۱۵ق)

سید ابوالقاسم خوئی در *البیان در علوم و مسائل کلی قرآن* در کتاب خویش بیان می‌دارد چنان‌که پیداست عقیده بر آن دارند که جمع قرآن به صورت کتاب در زمان خود پیامبر صورت گرفته شده است و ایشان معتقدند تصور این که قرآن در زمان خلفاء به صورت کتابی درآمده است فکری است غلط و بی‌اساس پس با توجه به این موارد ایشان نیز عقیده به توقیفی بودن را دارند و به تبع آن با توجه به این مسائل آیاتی که در درون سوره‌ها هستند با یکدیگر هماهنگی دارند (خوئی، ۱۳۸۲ش). علامه طباطبایی با این که نظری به غیر از توقیفی بودن را دارند به این بحث پرداخته‌اند لازم به ذکر است ایشان نظر دارند بعضی آیات اجتهاد در ترتیب آن‌ها صورت گرفته‌اند اما بعضی از آیات به صورت توقیفی می‌باشد و ایشان معتقدند چون بعضی آیات به صورت متفرق نازل شده‌اند و جایگاهی که امروز در آن می‌باشند قرار دارند که جایگاه اصلی آن‌ها نیست و می‌توان گفت که در ترتیب آیات مداخله‌ای صورت گرفته است پس در نتیجه برخی از آیات اجتهادی می‌باشند و برخی به دستور پیامبر در جایگاه خودشان قرار گرفته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق).

همچنین طبرسی در *مجمع البیان* بر توقیفی بودن و نظم آیات پرداخته است و نظر بر این دارند که جمع قرآن به صورت کتاب در زمان خود پیامبر صورت گرفته است با توجه به این مسئله توقیفی بودن را مطرح کرده‌اند روایاتی را هم در این مورد آورده‌اند و درصدد اثبات این مسئله شده‌اند و دسته‌ای از آیات را که بررسی کرده‌اند در پایین همان آیات عنوان *النظم* گذاشته‌اند که در هر سوره به هماهنگی و نظم و ترتیب ویژه آیات در درون سوره رسیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش).

اما برخی مقالات منتشر شده در مورد توقیفی بودن آیات می‌توان به مقاله آقای حسینی زیدی با عنوان «جستاری بر توقیفی بودن قرآن» پرداخت ایشان در مقاله خویش بدین نتیجه دست یافته‌اند که ترتیب آیات در درون سوره توقیفی می‌باشد و با توجه به آن، نظارت خود پیامبر نیز در آن زمان بوده است که هر آیه را در جایگاه خودش قرار دهند و اگر آیه‌ای نازل می‌شد که باید جایگاه آن با وحی جبرئیل و به دستور پیامبر بود خود ایشان تعیین می‌کردند که در کجای سوره و قرآن قرار گیرد (حسینی زیدی، ۱۳۸۹ش).



همچنین احمد ناصح در مقاله خود با عنوان «کاربرد روایات در اثبات چینش توقیفی آیات» به این نتیجه دست یافته است که با توجه به روایات رسیده از اهل سنت و شیعه مسئله توقیفی بودن ترتیب آیات ثابت می‌شود و روایاتی از قبیل این که در زمان خود پیامبر سوره‌ها حد و مرزشان مشخص بود و احادیثی که پیامبر در موعظه‌ها و نمازها می‌خواندند را ذکر کرده‌اند که در نتیجه تمامی این روایات؛ ترتیب و نظم آیات به دستور پیامبر بوده است (ناصر، ۱۳۸۱ش). خانم حاجی امیر در مقاله خود با عنوان «تحلیلی بر کیفیت چینش آیات و سوره‌ها در قرآن» به تحلیل و بررسی در مورد کیفیت چینش آیات در درون سوره‌ها پرداخته است که نظرات اجتهادی توقیفی و تفصیلی را آورده و در نتیجه نظر توقیفی بودن ترتیب آیات را پذیرفته (حاجی امیری، ۱۳۸۸ش).

همچنین آقای میراحمدی و خانم باوفا در مقاله خود با عنوان «نظریه انسجام متنی و محتوایی و نقش آن در اثبات توقیفی بودن چینش آیات سوره ممتحنه» به بررسی محتوایی سوره ممتحنه پرداخته و در مورد این که برخی از افراد اجتهادی بودن ترتیب برخی از آیات این سوره را بیان می‌کند رد می‌کند و ترتیب آیات که به صورت توقیفی و پیوستگی آیات را در آن به اثبات می‌رساند و در نتیجه از این راه به بحث بسیار مهم وجود تناسب آیات در آیات سوره‌ها قرآن می‌رسد (میر احمدی و باوفا، ۱۳۹۷ش).

همچنین حکم‌آبادی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تناسب در آیات و سور در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن» به این موضوع می‌پردازد که موضوع اصلی این پایان‌نامه تناسب و ارتباط آیات می‌باشد اما به صورت گذرا و محدود برای اثبات تناسب به این موضوع پرداخته است. در این پایان‌نامه به نظرات علامه طباطبایی و سید قطب پرداخته شده است در مورد عقیده ایشان بر وجود تناسب آیات که آیا نظر به تناسب دارند یا خیر و آیا در تفاسیر خویش این موضوع را گنجانده‌اند یا نه که با بررسی‌هایی که انجام داده‌اند نتیجه به عمل آمده این می‌باشد که هر دو عالمان نظر به تناسب آیات دارند و آن را اعجازی از سوی خداوند می‌دانند و در این پایان‌نامه به صورت گذرا به بحث توقیفی بودن پرداخته شده است که در این موردی نیاز به بررسی دقیق‌تری می‌باشد (حکم آبادی، ۱۳۹۱ش).

با بررسی آثار علما چه شیعه چه سنی در موضوع پژوهش حاضر، این نتیجه حاصل آمد که به رغم تلاش‌های مفسران، پژوهشگران در این زمینه و خلق آثار ارزشمند در این حوزه، تاکنون اثری در مورد بررسی مقایسه‌ای و ارزیابی نظرات فریقین در مورد توقیفی بودن ترتیب

آیات ارائه نشده است، اما در پژوهش حاضر به بررسی مقایسه‌ای و ارزیابی نظرات شیعه و اهل سنت می‌پردازیم و این بحث بسیار ارزشمند را اثبات خواهیم کرد.

۱. توقیفی بودن ترتیب آیات از دیدگاه شیعه

در میان علما امامیه، عده‌ای به توقیفی بودن آیات قرآن کریم باور داشته و ترتیب آیات را مطابق نظر پیامبر اکرم (ص) دانسته‌اند از جمله این افراد می‌توان به سید مرتضی اشاره کرد ایشان پایه‌گذار نظریه توقیفیت ترتیب آیات در میان امامیه می‌دانیم وی در کتاب الذخیره فی علم الکلام با بیان این‌که در زمان پیامبر (ص) قرآن به صورت یک کتاب تألیف شده بود، قرآن امروزی را همان کتاب تألیف شده در عصر پیامبر (ص) می‌داند و چنین می‌گوید:

«قرآن بدون کاستی و تبدیل و تغییر نقل شده است و علم به این‌که این قرآنی که در دست ماست همان است که در دست رسول خدا (ص) بوده است، مانند علم به شهرها و حوادث بزرگ و کتب مشهور و اشعار تدوین شده (بدیهی) است» (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۲-۳۶۱).

قرآن در عهد نبی (ص) مطابق آن چه که الان موجود است جمع‌آوری و تألیف شده بود، چرا که قرآن در آن زمان تدریس می‌شد و تمام آن حفظ می‌شد (سیدمرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۳). هرچند سیدمرتضی نیز به توقیفیت ترتیب آیات تصریح نکرده است، از ظاهر این امر که تدوین قرآن را به عصر پیامبر (ص) منتسب نموده و قرآن امروزی را مطابق آن دانسته‌اند این‌طور به نظر می‌رسد که به عقیده او ترتیب آیات در سوره‌ها نیز منتسب به عصر پیامبر (ص) بوده که در آن زمان تدریس و حفظ می‌شده است.

طبرسی نیز در مقدمه مجمع البیان با ذکر کلام سید مرتضی، دیدگاه او را درباره کیفیت جمع قرآن در زمان پیامبر و توقیفی بودن ترتیب آیات را پذیرفته است از ابن عباس و سدی روایتی است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آیه «وَأْتُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...» (بقره/۲۸۱) و بترسید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید آخرین آیه نازل است که جبرئیل به من دستور داد تا آن را در رأس آیه ۲۸۱ سوره بقره قرار دهم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۶۷۶).
محمدهادی معرفت نیز در کتاب التمهید، اعتقاد به توقیفیت ترتیب آیات قرآن را چنین بیان داشته است تألیف آیات در ضمن هر سوره‌ای مطابق ترتیب موجود، امری است که در اکثر آیات مطابق با ترتیب نزولشان صورت گرفته است اما عامل دیگری نیز در تنظیم بخشی از آیات

برخلاف ترتیب نزولش وجود دارد که تصریح و تعیین خاص رسول خدا (ص) است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۶).

با ژرفاندیشی در منابع و تحلیل گزارش‌های مربوط می‌توان دریافت که ترتیب و جمع‌آوری آیات در زمان خود پیامبر (ص) با دستور ایشان صورت گرفته است و بر آن مهر تأیید زده‌اند همان‌گونه که عالمانی مثل حارث محاسبی، خازن، زرقانی، زرکشی، حرعاملی، باقلانی این افراد با استناد به نقل‌ها و عناصر تاریخی و بررسی هر کدام اعتقاد یافته‌اند که قضیه جمع قرآن و ترتیب‌بندی آیات به زمان پیامبر (ص) برمی‌گردد آن چه ایشان نظر دارند به گردآمدن آیات در درون سوره‌ها در آن سالیان برمی‌گردد (عاملی، بی‌تا، ص ۶۵).

ابن عباس می‌گوید طی دوران رسالت، سوره‌های متعددی بر پیامبر (ص) نازل می‌شد هرگاه آیاتی از قرآن نازل می‌شد حضرت کاتبان وحی را فرامی‌خواند و آنان را مأمور می‌ساخت آیات را در ضمن سوره‌ای جای دهند (ابی یعقوب، بی‌تا، ص ۴۳). ابن عباس می‌گوید هرگاه بسمله ای نازل می‌شد پیغمبر (ص) و اصحاب متوجه پایان سوره قبلی و آغاز سوره دیگری می‌شدند (ابی یعقوب، بی‌تا، ص ۳۴).

طی روایاتی از فریقین به نقل از ابی مسعود، ابن عباس، و امام صادق (ع) آمده است که رسول خدا (ص) و صحابه، افتتاح و اختتام هیچ سوره‌ای را نمی‌دانستند تا آن که «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می‌شد با نزول آن در می‌یافتند که سوره به پایان رسیده و سوره جدیدی شروع شده است در نتیجه این روایت می‌توان دریافت که آیات به ترتیبی که نازل می‌شد مرتب می‌شد (نوری، بی‌تا، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ واحدی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵). اجماع امت بر این است که ترتیب آیات بر همین ترتیبی که است می‌باشد و توقیفی است و مجالی برای اجتهاد و رأی نیست در زمان خود پیامبر (ص) به همین ترتیب بوده و چنان چه در خطبه‌ها، نماز و... خوانده می‌شد (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۹).

با توجه به مجموع اسناد و مدارک و روایات، چنین به دست می‌آید که ترتیب آیات در سوره‌های قرآن با ارشادات پیامبر (ص) بوده است، و اجتهاد صحابه دخالتی در آن ندارد به عبارت دیگر ترتیب آیات توقیفی است و بر آن اجماع شده است نصوص و روایات هم آن را تأیید می‌کنند (حجتی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۶). بر اساس مقتضای کلام خویی در *البیان* نیز این چنین برداشت می‌شود که ایشان نظر به توقیفی بودن آیات دارند، که چینش آیات مطابق نظر پیامبر (ص) صورت گرفته است چرا که او نیز تدوین سوره‌های قرآن را به عصر پیامبر (ص) منتسب

دانسته است و عقیده دارد جمع قرآن در زمان خلفا و دوران بعد از پیامبر (ص) امری است غلط و بی اساس که با قرآن، سنت، عقل و اجماع مخالف است، بر اساس ظاهر سخن ایشان چنین برداشت می‌شود که ایشان قائل به توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن می‌باشند (خویی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۲۳).

جمع‌آوری قرآن در زمان خود پیامبر (ص) می‌باشد، پس به تبع، گردآمدن آیات در درون سوره‌ها در آن سالیان بوده است و سخن در مورد تناسب آیات وقتی وجه درستی دارد که ترتیب آیات را وحیانی دانسته و آن را به پیامبر (ص) منتسب کنیم (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵).
 با شایع شدن این دیدگاه افراد دیگر هم این نظریه را پذیرفته‌اند برای جلوگیری از طولانی شدن مطالب به ذکر منابع بسنده می‌کنیم: (عسکری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۳؛ ابن‌طاووس، بی‌تا، ص ۱۹۴؛ زنجانی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۴؛ معارف، ۱۳۷۶ش، ص ۵۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۶، ص ۴۲۲؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۳ش، ص ۱۰۳؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۶، ص ۲۵۹-۲۵۴؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۷۷؛ خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص ۸۱-۷۲؛ نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۸۵؛ ایازی، ۱۳۸۱ش، ص ۹۱؛ رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۵۷۵؛ رادمنش، ۱۳۷۴ش، ص ۵۸؛ حکیم، ۱۳۷۸ش، ص ۹۹).

چنانکه برخی این دیدگاه را مورد اتفاق (اجماع) خوانده‌اند از جمله این افراد (محدث خراسانی، ۱۳۷۲ش، ص ۵۸؛ میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۶؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵۴).

۱-۱. بررسی و ارزیابی نظرات شیعه مبتنی بر توقیفی بودن ترتیب آیات

برخی از علماء و مفسران شیعه بر این عقیده‌اند که جمع قرآن به صورت کتاب در زمان خود پیامبر (ص) بوده است پس به تبع آن ترتیب آیات نیز به دستور ایشان بوده است افرادی نظیر سیدمرتضی، شیخ طبرسی، خویی، عاملی، حکیم و... بر این نظر می‌باشند و آن را یک علم بدیهی می‌دانند. و اما بعضی از افراد با توجه به روایات درصدد اثبات این موضوع می‌باشند روایاتی که از ائمه معصومین و صحابه رسیده نظیر این‌که صحابه شروع و پایان سوره‌ای را نمی‌دانستند تا این‌که بسم الله الرحمن الرحیم نازل می‌شد و متوجه پایان سوره قبلی و شروع سوره بعدی می‌شدند. هم‌چنین عرضه برخی از سوره‌ها توسط صحابه به پیامبر یا دستور پیامبر که دستور می‌دادند فلان آیه را در فلان سوره قرار دهید چراکه آیه ۲۸۱ سوره بقره گفته شده است برخلاف



ترتیب نزول جای گذاری شده است که با توجه به روایات اثبات می شود که به دستور پیامبر بین آیه دین و ربا قرار داده شده است.

در روایات بسیاری به فضائل و ثواب سوره ها و هم چنین به قرائت سوره ای خاص اشاره شده است این روایات نشانگر این است که چینش آیات قبل از رحلت پیامبر مشخص بوده است هم چنین تعابیر سوره، قرائت، تلاوت بیانگر آن است که ترتیب و نظم حاکم بر سوره ها بوده است و ابتدا و انتهای مشخص داشتند و اجماعی در این مورد صورت گرفته است که جای هر یک از آیات را با راهنمایی پیامبر می دانند و به همان ترتیبی که اخذ کرده به اصحاب قرائت می کردند و کاتبان وحی را دستور داده که به آن گونه بنویسند و حافظان قرآن به آن صورت حفظ کنند. افرادی که قائل به توقیفی بودن ترتیب آیات هستند باید دانست که بیشتر این افراد قائل به تناسب آیات می باشند چرا که اگر توقیفی بودن اثبات شود موضوع تناسب آیات نیز اثبات می شود. بی شک بسیاری از پیام ها و هدایت گری های قرآن در نظم و ترتیب آیات نهفته است و اگر به غیر این بود از حجیت ساقط می شد و دست جوامع بشری از یافتن راه هدایت کوتاه می ماند پس از لحاظ عقلی به دور از حکمت الهی است که قرآنی بر پیامبر نازل کند و ترتیب و نظم در آن نباشد در نتیجه با توجه به تمام این موارد توقیفی بودن ترتیب آیات را می توان ثابت کرد و ترتیب آیات را به دستور پیامبر (ص) دانست.

۲. اجتهادی بودن ترتیب آیات از دیدگاه شیعه

در میان علماء امامیه در این مسئله سه دیدگاه وجود دارد که در ادامه به آن ها می پردازیم:

۲-۱. عدم توقیفیت ترتیب کلمات در آیات

از میان تفاسیر کهن امامیه، علی بن ابراهیم قمی در کتاب تفسیر منسوب به او، ترتیب کلمات موجود در چند آیه را با چینش متفاوتی بیان کرده است؛ چنان چه در شرح آیه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ نَبِيٍّ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (هود: ۱۷)؛ آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او پیرو آن است و پیش از وی نیز کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است (دروغ می بافند)؟ آنان که در جستجوی حقیقت اند به آن می گروند. روایتی نقل کرده است که مبنی بر این که «اماما و رحمه» در این آیه، در تألیف مؤخر نگاشته شده است؛ در حالی که در تنزیل مقدم بوده است.

ابوبصیر و فضیل از امام باقر (ع) روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند: همانا آیه‌این‌گونه نازل شد «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيَّةٍ مِنْ رَبِّهِ» یعنی پیامبر (ص) «ویتلوه شاهد منه - اماما و رحمه - و من قبله کتاب موسی اولیک یومنون به». پس (آیه را) در تألیف، مقدم و مؤخر کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۲۴).

پس از علی بن ابراهیم قمی نیز عده‌ای از مفسران و محدثان شیعی نظیر (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۳۷؛ ج ۱۴، ص ۲۰۰) جابه‌جایی در ترتیب کلمات این آیات را بدون طرح اشکال یا مناقشه‌ای بر دیدگاه قمی از وی نقل کرده‌اند. اگر روایاتی را که در این خصوص رسیده را بپذیریم باید قائل به تحریف در قرآن باشیم که جابجایی در ترتیب کلمات قرآن صورت گرفته است زیرا در روایت می‌گوید در تنزیل مقدم بوده در تألیف مؤخر شده یعنی دلیلی بر تحریف در قرآن می‌باشد در حالیکه در آیات قرآن هیچ دست تحریفی راه نیافته و خداوند با توجه به آیه ضمانت «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۱) بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کردیم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. خداوند ضمانت کتاب خود را به عهده گرفته است با توجه به این روایات که از معصومین می‌آورند یا متن حدیث با خود قرآن در تعارض می‌باشد یا سند ضعیفی دارند زیرا ما معتقدیم هیچ‌گونه تقدم و تأخری در آیات صورت نگرفته است و به فرض که تقدم تأخری صورت گرفته باشد حتماً امامان در زمان خویش مسئله تحریف را بیان می‌کردند و درصدد حل این مسئله می‌شدند در حالی که هیچ روایتی مبنی بر این مسئله که خود معصومین مسئله تحریف را بگویند که تحریفی رخ داده، نیست. اینکه روایتی که در تفسیر قمی موجود می‌باشد این تفسیر به جد و قاطع نمی‌توان گفت که برای ابراهیم قمی است زیرا منسوب به اوست و بنا به املاهای شاگردش «ابی الفضل العباس بن محمد العلوی» می‌باشد. به علاوه با توجه به تعارض با ادله قطعی در مصونیت قرآن از تحریف حکم به سقوط آن می‌شود و قابل اعتماد نیست.

۲-۲. عدم توقیفیت ترتیب جملات مستقل در آیات

در مسئله توقیفیت ترتیب جملات مستقل، و یا به عبارتی دیگر ترتیب فقرات در هر آیه، نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ چنانچه سید نعمت‌الله جزائری از علما اخباری در کتاب *النور المبین* در ضمن داستان و آیات مربوط به حضرت موسی (ع) به آیه‌ای اشاره می‌کند که قسمتی از آن در سوره بقره قرار گرفته و ادامه آن در سوره مائده ثبت شده است در توضیح این امر می‌نویسد:



«ظاهراً منشاء این گونه تقطیع در یک آیه، امری بوده است که در مصحف عثمانی، که آن را امام المصاحف نامیدند، صورت گرفت و هیچ گونه ارتباطی با ترتیب قرآن ندارد؛ پس یک آیه در دو سوره تقطیع شده است» (جزائری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

همچنین علامه مجلسی در پاسخ به شبهه اهل سنت درباره جایگاه آیه تطهیر که بین خطاب‌های مکرر به همسران پیامبر (ص) و در یک آیه قرار گرفته، در توقیفی بودن جایگاه آن تردید کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۲۳۴). طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در خصوص جایگاه کنونی آیه تطهیر و آیه اکمال دین که بخشی از آیه دیگری قرار گرفته‌اند، اظهار تردید کرده و جابجایی آن‌ها را به صحابه منتسب کرد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۷).

این دیدگاه مبتنی بر ادعای سید نعمت الله جزائری می‌باشد. باید گفت داستان‌هایی از انبیاء در قرآن است که داستان‌های آن‌ها در سوره‌ها دیگر تکرار شده است در سوره بقره یا مائده و... که اگر توجه دهیم همگی به یک مضمون می‌باشند هرچند برخی تعابیر با هم فرق دارد در آیات، مسئله تکرار در آیات قرآن مشهود است از قضا در مسائل داستان‌های مربوط به پیامبران که جلوه بیشتری دارد. ایشان ادعا دارند تقطیعی صورت گرفته است و این تقطیع در زمان عثمان بوده است باید گفت مسئله تقطیع مربوط به تحریف می‌باشد و باید دانست با توجه به توضیحاتی که در بالا داده شده است مسئله تحریف رد شده است و هیچ گونه تقطیعی در آیات صورت نگرفته است. اما در مورد جایگاه آیه تطهیر در سوره احزاب آیه ۳۳ توجه به چند نکته حائز اهمیت می‌باشد، اول اینکه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در سوره احزاب سه وجه در این آیه وجود دارد: ۱- تعریض به همسران پیامبر (ص) ۲- التفات به اهل بیت (ع) ۳- فضای ایراد کلام. این سه وجه در کنار هم علاوه بر اثبات توقیفی بودن ترتیب این آیه، تناسب آیه را با صدر و ذیل آیه نیز ثابت می‌کند. با مطالعه مجموع آیه‌های ۲۸ تا ۳۳ احزاب خداوند با همسران پیامبر با لحن تند سخن می‌گوید و می‌خواهد آنان را با وظایف سنگین خود آشنا کند آیه تطهیر که در شأن اهل بیت و گرامی داشت مقام آن‌هاست علی‌رغم التفات به اهل بیت تعریضی نیز به همسران رسول خدا نیز است و یادآوری این مسئله که در میان خاندانی زندگی می‌کنید که در نهایت طهارت و عصمت از گناه هستند چرا که انتساب شما به این خاندان وظیفه ساز است و این که این آیه در منزل ام سلمه (فضای ایراد کلام) به عنوان یکی از همسران پیامبر و به دنبال عملکرد

خوب ایشان در اجرای اوامر الهی نازل شده است و این نشان می‌دهد که همسران پیامبر همگی در یک سطح نبوده‌اند و حرکت ام سلمه باعث چنین فضیلتی شده است.

بنابراین لحاظ این سه وجه در کنار هم ما را به فهم جایگاه آیه رهنمون می‌کند پس ما معتقدیم جایگاه آیات در سوره‌ها توقیفی است و آیه تطهیر نیز توقیفی می‌باشد. در مورد جایگاه آیه اکمال می‌توان گفت با توجه به سیاق آیات سوره مائده اگر با دیده تأمل بنگریم خواهیم دید چند موضوع در طول سوره بارها مطرح شده است:

۱- خداوند در اول سوره از عقود سخن می‌گوید که شامل تمامی عقود می‌شود و در لابلای آیات از عدم وفای به عهد اقوام گذشته و سرگردانی‌های آن‌ها و سرگذشت بد آن‌ها در اثر بی‌وفایی به عهد سخن به میان می‌آورد.

۲- در این سوره مکرراً از سرگذشت اقوام گذشته اعم از پسران آدم قوم، یهود، نصارا بحث می‌کند و مخصوصاً یادآور پیمان‌های آن‌ها می‌شود که بستند ولی عذر را شکستند به همین دلیل دچار سرگردانی شدند بنابراین تنها راه سعادت را اطاعت از پیامبر در همه امور و مخصوصاً ولایت معرفی می‌کند.

۳- در این سوره کرارا از احکام اسلامی اعم از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و احکام حج و... سخن می‌گوید. با توجه به نکات فوق و این که آیات اکمال، ولایت، ابلاغ که هر سه در شأن حضرت علی (ع) می‌باشد و هر سه در یک سوره می‌باشند می‌توان نتیجه گرفت که خداوند آیات را در این سوره بدین گونه تنظیم نموده تا مردم همیشه به پیمان ولایتی با علی بستند متعهد بمانند و بدانند که در صورت شکستن پیمان دچار گمراهی و سرگردانی می‌شوند چنانچه اقوام گذشته در اثر شکستن پیمان‌های خود به آن گرفتار شدند. همچنین قرآن مانند کتب بشری نیست که با آن مقایسه شود بلکه قرآن معجزه است و می‌تواند در یک سوره از تمامی موارد سخن به میان آورد. پس با توجه به این موارد می‌توان گفت جایگاه آیه تطهیر نیز توقیفی بوده و با صدر و ذیل آیه تطابق دارد.

۳-۲. عدم توقیفی بودن چیش آیات

در تفسیر قمی دیدگاه علی بن ابراهیم قمی چنین گزارش شده است:

«برخی از آیات قرآن ناسخ است و برخی منسوخ، برخی محکم و برخی

متشابه، برخی عام و برخی خاص، و برخی مقدم شده و برخی مؤخر شده

و برخی آیات آن در یک سوره قرار دارد که ادامه‌اش در سوره دیگری قرار گرفته است» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۵).

از توصیفی که شیخ مفید نسبت به ترتیب آیات در مصحف امیرالمؤمنین (ع) بیان داشته است عدم اعتقاد او به توقیفی بودن ترتیب کنونی آیات برداشت می‌شود:

«وقد جمع امیر المؤمنین (ع) القرآن المنزل من اوله الی آخره والفیه بحسب ما وجب من تألیفه المکی علی المدنی والمنسوخ علی الناسخ ووضع کل شیء آمنه فی محله» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹).

امیرالمؤمنین (ع) قرآن را از ابتدا تا انتها جمع‌آوری کرد و آن را همان‌گونه که لازم بود تألیف شود گردآوری کرد؛ پس آیات مکی را بر مدنی، و آیات منسوخ را بر ناسخ مقدم ساخت و هر آیه‌ای را در جایگاه خودش قرار داد.

علاوه بر آن شیخ مفید در کتاب *اوائل المقالات* با طرح این بحث، عدم توقیفیت آیات را محل اتفاق امامیه دانسته است:

«واتفقت الامامیه علی وجوب رجعه کثیر من الاموات الی دنیا قبل یوم القیامه ... واتفقوا علی ان ائمه‌الضلال خالفوا فی کثیر من تألیف القرآن وعدلوا فیه عن موجب التنزیل وسنه النبی (ص)» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶).

امامیه بر وجوب رجعت بسیاری از اموات به دنیا قبل از قیامت اتفاق نظر دارند ... و همچنین اتفاق نظر دارند بر این که سردمداران ضلالت در بخش زیادی از تألیف قرآن مرتکب خلاف شده‌اند و در این امر از ترتیب نزول و سنت پیامبر (ص) منحرف شدند.

روایتی که در مقدمه تفسیر قمی می‌باشد همین روایت از حضرت علی هم می‌باشد در بیان مفصلی در پاسخ سلیم بن قیس در مورد این که نزد مردم روایاتی است از پیامبر که شما با آن موافق نیستید که ایشان این روایت را فرمودند فقط با این فرق که جملات آخر روایت در روایت حضرت نیست برخی را مقدم برخی را مؤخر ... اگر قائل به این مورد باشم همانطور که گفته شد باید قائل به تحریفی در قرآن باشیم که تقدم و تأخری شده که بحث تحریف رد شده است. اما این روایت با روایات دیگر نیز متعارض است در آخر روایت می‌گوید برخی آیات در یک سوره قرار دارد که ادامه‌اش در سوره دیگری است ما روایاتی داریم که پیامبر و صحابه از پایان سوره‌ها خبری نداشتند که بسم الله الرحمن الرحیم سوره دیگر نازل می‌شود و متوجه تمام شدن سوره قبلی و شروع سوره بعدی می‌شوند.

با توجه به این مسئله یعنی ترتیب را می‌دانستند و آیات چینش خود را در درون سوره‌ها داشته است و چطور می‌شود که ادامه آیه در سوره دیگری باشد. در این صورت مضمون سوره‌ها و هدف خداوند از هر سوره به هم ریخته می‌شود و دیگر نمی‌توان به آن اعتنایی کرد و در آن صورت متوجه نمی‌شویم کدام آیه برای کدام سوره هست. که این مورد با توجه به علم برخی صحابه و پیامبر این بعید است. و با توجه به سخن شیخ مفید مبنی بر این که این قرآن امروزی با مصحف علی یکسان نیست باید دانست مصحف علی با ترتیبی که قرآن دارد یکسان است و تفاوتی ندارد و شأن نزول سبب نزول و توضیحات اضافی برای روشن‌سازی بیشتر در حاشیه مصحف علی می‌باشد که ربطی به ترتیب آیات و قرآن امروزی ندارد چنانچه از حضرت در مورد قرآنی که در دست داشتند سؤال کردند حضرت فرمودند به همین قرآن عمل کنید. پس معلوم می‌شود فرقی با مصحف علی ندارد.

اینکه شیخ مفید دیدگاه عدم توقیفیت را مورد اتفاق امامیه دانسته است این دیدگاه، کاشف از دیدگاه استاد خود شیخ صدوق می‌باشد، چرا که بعید نیست شیخ صدوق اعتقاد به توقیفیت داشته باشد ولی شیخ مفید اعتنایی به دیدگاه استاد خود نداشته باشد و دیدگاه خویش را مبنی بر اتفاق امامیه بر عدم توقیفیت آیات بداند. علاوه بر این اگر شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات الامامیه دلالت بر توقیفیت آیات می‌داشت، قطعاً شیخ مفید نیز در کتاب تصحیح الاعتقادات الامامیه که آن را در تبیین موارد اختلاف نظر با دیدگاه‌های شیخ صدوق در شرح کتاب او نگاشته است، در آن خدشه می‌کرد؛ در حالی که در این خصوص هیچ نقدی طرح نکرده است. بنابراین شیخ صدوق را نمی‌توان در زمره قائلان توقیفیت دانست؛ بلکه او نیز با توجه به اجماع ذکر شده توسط شیخ مفید، در زمره قائلان به عدم توقیفیت است.

لازم به ذکر است که منظور از تألیف قرآن در اصطلاح علما، به‌ویژه قدما، خصوص «ترتیب و چینش آیات» می‌باشد، نه مطلق تدوین قرآن که اعتقاد به دخل و تصرف در تألیف، ملازم با قول به تحریف می‌باشد؛ چنان‌که عبارت دیگر شیخ مفید در همین کتاب در بابی تحت عنوان «القول فی تألیف القرآن» مراد از تألیف را به وضوح بیان داشته است. وی در این باب چنین نگاشته است:

«فاما القول فی التألیف فالموجود یقضى فيه بتقديم المتأخر و تأخیر المتقدم و من عرف

الناسخ و المنسوخ والمکى والمدنى لم یرتب بما ذکرناه» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰).



اما بحث در تألیف، آن چه (در قرآن کنونی) موجود است خودش به مقدم شدن متأخر و متاخر شدن متقدم، حکم می‌کند و کسی که آیات ناسخ و منسوخ و مکی و مدنی را بشناسد، در آن چه گفتیم تردید نمی‌کند. واضح است که بحث از تقدیم متأخر و تأخیر متقدم و تقدیم ناسخ و منسوخ و تقدیم مکی و مدنی، صرفاً بحث از چینش آیات قرآن است، نه مطلق تدوین قرآن از حیث زیاده و نقصان. با توجه به این امر، کلام برخی از مستشرقان مانند یوسف دره حداد و اتان کلبرگ (زمانی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۹) در شمردن شیخ مفید در زمره قائلان به تحریف قرآن، با استناد به این عبارت، سخنی نسنجیده و غلط است؛ چنان چه معرفت، شیخ مفید را در زمره افرادی که قائل به تحریف نیستند آورده است (معرفت، ۱۴۱۳ق، ص ۶۰ به بعد). هم چنان که توجه برخی دیگر در حمل عبارت «خالفوا فی کثیر من تألیف القرآن»، بر حذف شأن و اسباب نزول در هنگام جمع‌آوری و تدوین قرآن (مسعودی و صفایی، ۱۳۹۲ش، ص ۶۰). نیز دور از واقع و دور از غرض شیخ مفید است بلکه چنان چه بیان شد، مقصود شیخ مفید به قرینه عبارت دیگر وی، وقوع دخل و تصرف در چینش آیات مکی و مدنی و ناسخ و منسوخ و سایر آیات است، نه دخل و تصرف در حذف و زیادت آیات، و یا حذف و زیادت تفسیر و شأن نزول. بنابراین سخن شیخ مفید مبنی بر اتفاق امامیه بر اعتقاد به وقوع دخل و تصرف ائمه ضلال در تألیف قرآن، به معنای اتفاق امامیه تا عصر ایشان، بر توقیفی نبودن ترتیب آیات قرآن کریم است و هیچ‌گونه ملازمه‌ای با اعتقاد ایشان به تحریف قرآن از حیث زیاده و نقصان ندارد.

از دیگر بزرگان اخباری، محدث نوری نیز با استناد به مصحف علی (ع) ترتیب کنونی آیات را غیر توقیفی دانسته و در آن رابطه چنین آورده است:

«حضرت علی (ع) مصحفی مخصوص داشته است که آن را بعد از وفات پیامبر (ص) شخصاً جمع نموده است ... و این مصحف با مصحف موجود از حیث ترتیب آیات و سوره‌ها مغایرت دارد ... و از آنجا که حق با علی و علی با حق است بنابراین در مصحف موجود تغییراتی [در ترتیب آیات و سوره‌ها] وجود دارد» (نوری، ۱۲۹۸ق، ص ۱۴۴).

می‌توان در بررسی سخن محدث نوری گفت مسئله حق با علی است و علی با حق است را قبول داریم و اما این مسئله نمی‌تواند دلیلی باشد که قرآن امروزی ترتیب آیات اش مطابق با مصحف علی (ع) نیست. توضیح مربوط به این مسئله را که مورد ادعای شیخ مفید در مورد مصحف علی (ع) نیز بیان کردیم لذا از تکرار آن خودداری می‌کنیم.

علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان به بحث از کیفیت جمع و تألیف قرآن می‌پردازد و پس از اختصاص دو فصل مستقل به ذکر روایات مربوط به کیفیت جمع قرآن می‌پردازد، و در مقام جمع نتیجه‌گیری و جمع‌بندی روایات چنین می‌آورد:

«به طور کلی آن چه این روایات بر آن دلالت دارند عبارتند از اولاً: قرآن موجود بین دو جلد همان کلام خداوند متعال است که چیزی بر آن افزوده نشده و چیزی از آن تغییر نکرده است. ثانیاً: ترتیب سوره‌ها، از جانب صحابه در جمع اول (جمع ابوبکر و عمر) و جمع دوم (جمع عثمان) صورت گرفته است. ثالثاً: اینکه قرار گرفتن بعضی از آیات قرآن که متفرق نازل شده‌اند در جایگاهی که امروزه در آن قرار دارند، خالی از مداخله و اجتهاد صحابه نبوده است، چنان‌که ظاهر روایات جمع اول همین است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۲۶).

از ظاهر سخن علامه چنین برداشت می‌شود که ایشان هم نظر به اجتهادی بودن چنین آیات دارند، چرا که قائلین به اجتهاد یکی از دلایل شان متفرق نازل شدن برخی از آیات می‌باشد. اما با توجه به بررسی سخن علامه جمع اول مربوط به زمانی است که حاملین قرآن بیشترشان در جنگ یمامه کشته شده بودند عمر را بیم آن رفت که قرآن تدریجاً از یادها برود که به زید دستور جمع‌آوری قرآن به صورت کتاب داده شد برخی روایات در مورد جمع اول بعضی صحیح می‌باشند اما بعضی غیرمعتبر هستند و گاهی خبر آحاد می‌باشند ولی از مجموع روایات برمی‌آید که جمع‌آوری قرآن در نوبت اول جمع‌آوری سوره‌ها به صورت کتاب بود.

همچنین روایاتی در این مورد است که با توجه به قرائن قطعی پیامبر هر چه از قرآن برایش نازل می‌شد را به کاتبان وحی قرائت می‌کرد و آن‌ها می‌نوشتند و عده‌ای نیز حفظ می‌کردند مردم در آن زمان رغبت شدیدی به حفظ و گرفتن قرآن داشتند.

علاوه بر آن روایات رسیده از شیعه و اهل سنت داریم که رسول خدا بیشتر سوره‌های قرآنی را در نمازهای یومیه و غیر آن می‌خواندند و این خواندن در میان جمعیت انبوهی بود و روایاتی است هر آیه‌ای که نازل می‌شد پیامبر جایگاهش را مشخص می‌کرد که در فلان جا بگذارید پس با توجه به این موارد آن جناب بعد از نزول هر آیه به نویسندگان وحی دستور می‌دادند که آن را در چه جایگاه و سوره‌ای قرار دهند پس با توجه به این موارد نمی‌توان گفت بعضی از آیات چون متفرق نازل شده بودند در زمان تألیف اجتهاد در آن‌ها شده است زیرا قرائن

زیادی داریم که پیامبر خود دستور به جایگذاری آیات به کاتبان را می‌دادند. علامه طباطبایی در کتاب قرآن در اسلام چنین می‌گوید:

«چنان چه می‌دانیم سور و آیات قرآن به ترتیبی که بر پیامبر (ص) نازل شده است در مصحف ثبت نشده است، ایشان عقیده دارند دانشمندان اسلامی و خاصه از اهل سنت در ترتیب نزول سور و آیات به روایات اعتماد کردند، از جمله روایات که در این باره رسیده روایتی از ابن عباس می‌باشد و آن روایت این چنین می‌باشد که آغاز هر سوره‌ای که در مکه نازل می‌شد در همانجا نوشته می‌شد پس از آن خدای متعال آن چه می‌خواست بر آن می‌افزود» (طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۳۷-۱۳۸).

با توجه به سخن علامه در بررسی‌هایی که به عمل آمد افرادی که قائل به توقیفی بودن می‌باشند فقط به روایات تکیه نکرده‌اند بلکه دلایل قرآنی، اجماع، گزارش‌های تاریخی، دلایل عقلی و روایات را دارند.

از جمله افرادی که به اجتهادی بودن قائل می‌باشند به ذکر منابع می‌پردازیم (شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۵۴؛ سیدرضی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۴-۱۱۳).

۳. توقیفی بودن ترتیب آیات از دیدگاه اهل سنت

سیوطی در *الاتقان* بر این عقیده می‌باشد که اجماع و نصوص مترادف (روایات) بر آن است که ترتیب آیات توقیفی می‌باشد و شک و تردیدی بر آن نیست، ایشان یادآور می‌شوند که اجماع را بسیاری نقل کرده‌اند از جمله زرکشی در *البرهان*، و ابوجعفر ابن زبیر در کتاب *مناسبات خود آورده است*، و عبارت وی چنین است:

«ترتیب آیات در سوره‌ها به توقیف و آگاهی پیامبر بوده است و به دستور ایشان واقع می‌شد که در این مورد در بین مسلمین اختلافی نمی‌باشد» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۲۰).

همچنین سیوطی در کتاب *خویش روایاتی را دال بر توقیفی بودن چینش آیات آورده است*.

در کتاب *التحجیر فی علم التفسیر خویش نیز چنین بیان می‌کند:*

«اختلاف است بین این‌که آیا ترتیب آیات اجتهادی است یا توقیفی که بعضی از افراد به حدیث سؤالی که ابن عباس از عثمان پرسیده، و هم چنین

به مصحف علی (ع) که برحسب نزول بوده است که اولین سوره، سوره علق می‌باشد تمسک جستند. و اما بعضی افراد گفته‌اند براساس اجماع و نصوص مترادف ترتیب آیات از نبی (ص) بوده است و این‌که قرآن هر ساله بر پیامبر توسط جبرئیل یک بار عرضه می‌شد، که در آخرین سال عمر دو بار عرضه شد. و آخرین آیه نازل «وَأَتَّوُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَهِ اللَّهِ» (بقره/۲۸۱) و بترسید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید که جبرئیل دستور داد بین آیات ربا و دین قرار دهند» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۴۵).

زرقانی در کتاب *مناهل العرفان* خویش این‌گونه بیان می‌کند:

«برای شناخت آیات و معرفت پیدا کردن به آن راهی جز توقیف شارع وجود ندارد، و هیچ مجالی برای قیاس و اجتهاد در ترتیب آیات نمی‌باشد و آن طبق تعلیم و ارشاد پیامبر (ص) می‌باشد و صرفاً ارشاد شارع ملاک است» (زرقانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۳).

ایشان همچنین اجماع امت را بیان می‌کنند که آیات قرآن با همین نظم که امروزه در مصاحف مشاهده می‌کنیم براساس دستور پیامبر (ص) و از جانب خداوند بوده است و جایی برای اجتهاد صحابه نمی‌باشد زیرا وقتی جبرئیل آیات را نازل می‌کرد محل و سوره‌ای که آیه باید در آن قرار می‌گرفت مشخص می‌ساخت سپس پیامبر (ص) آیات را می‌خواند و مکان و جایگاه آن را مشخص می‌کرد و به کاتبان دستور ثبت آن را می‌داد، که در آخرین سال عمر پیامبر (ص) دو بار عرضه شد که در تمامی این موارد بر طبق ترتیب نزول بود. هم‌چنین در زمان‌های بعد با همین ترتیب بود و آن را با همین نظم منتشر کردند و آموزش قرآن در مناطق مختلف به همین ترتیب رواج پیدا کرد و حتی در نمازهایشان نیز می‌خواندند، که اجماع در این مورد کامل است و در آن تردیدی نیست (زرقانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۳۹).

فخر رازی در ذیل آیات پایانی سوره «بقره» می‌نویسد:

«هرکس در لطایف و نظم و بدایع و ترتیب این سوره تأمل کند خواهد دانست که در قرآن همان‌گونه که از نظر فصاحت الفاظ و معانی معجزه است، از نظر نظم و ترتیب آیات نیز معجزه است» (فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۰۶).



زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن چنین بیان می‌دارد:

«اجماع بر این شده که ترتیب آیات توقیفی می‌باشد که در این شکی نیست، و ترتیب آیات بنابر نظارت خود پیامبر (ص) می‌باشد» (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۶).

آلوسی نیز مانند دیگر محققان اهل سنت، توقیفی بودن ترتیب آیات سوره‌ها را تأیید می‌کند و آن را با نظارت پیامبر می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷).

سید قطب در آغاز تفسیر سوره مبارکه بقره می‌گوید که طرز گردآوری آیات در هر سوره و ترتیب تقدم و تأخیر آنها در سوره مورد نظر برابر وحی خدا و طبق الهام پروردگار انجام پذیرفته است. و سپس از قول ترمذی روایتی را از ابن عباس در رابطه با نیابردن بسمله در بین دو سوره انفال و براءت نقل کرده و نتیجه گرفته است که ترتیب آیات در هر سوره برابر رهنمود رسول خدا انجام پذیرفته است و روایات دیگری را نیز به بحث خود اضافه می‌کند (سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۷).

ادیب علاف چنین بیان می‌کند که ترتیب آیات در سور، امری است توقیفی، و آن با راهنمایی جبرئیل و وحی بوده است و به دستور رب العالمین، و این امر توقیفی آیات اجماع شده است و توقیفی بودن آن عمومیت دارد. ایشان بیان می‌دارند عده‌ای گفته‌اند که اجتهادی است که ایشان جواب دکتر صبحی صالح را آورده‌اند که ایشان نظر دارند اجتهادی بودن دلیل صحیحی ندارد این خلاف تمام حرف‌ها در روایات است و این روایات ضعیف می‌باشد؛ ایشان بیان می‌دارند اگر سند روایات متواتر بود قبول می‌کردیم در حالی که از جمله روایات ضعیف می‌باشند. بنابر عقیده علاف مبنی بر توقیفی بودن آیات این نظر را داریم که ایشان هم عقیده به ارتباط و تناسب آیات می‌باشند (علاف، ۱۴۲۰ق، ص ۹۵-۹۸).

اجماع علماء بر این است که توقیفی می‌باشد و مجالی برای اجتهاد نیست ایشان هم چنین اظهار نظر کرده‌اند که روایاتی که در این زمینه داریم آن‌ها هم دلالت به توقیفی بودن دارند (حسن عباس، ۱۴۲۷ق، ص ۷۳-۷۴). اجماعی که عالمان در مورد ترتیب آیات دارند بر توقیفی بودن است بنا بر نقل سیوطی که گفته هیچ شک و شبهه‌ای بر آن نیست، و زرکشی گفته در این مورد اختلافی بین مسلمین نمی‌باشد؛ چنان چه از زید بن ثابت روایتی داریم که در نزد پیامبر (ص) بودیم و قرآن را از رقعها جمع‌آوری می‌کردیم، برای اثبات ترتیب آیات به توقیفی بودن

همین کافیت که بیشتر سوره‌ها به شهادت از صحابه رسیده و آن‌ها انتقال دادند به تابعین (حسن، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۵-۱۶۶).

اتفاق علما بر این است که توقیفی می‌باشد چرا که تلاوت می‌کردند پیامبر (ص) کرارا در نمازها، موعظه‌ها و همچنین حفظ قرآن که صحابه انجام می‌دادند حفظ کردن بر اساس همین ترتیب آیات بود، هم‌چنین با همین ترتیب موجود قرآن را تدریس می‌کردند، بعضی از اصحاب از بعضی دیگر اخذ می‌کردند و می‌شنیدند؛ خلفاء راشدین هیچ دخل و تصرفی در ترتیب آیات از قرآن نداشتند در هر زمانی که خلفا جمع‌آوری کردند همین ترتیب که در زمان رسول خدا بود حفظ شد این اجماع را زرکشی در البرهان و ابوجعفر در مناسبات نقل کرده است (ایوب، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶-۱۸).

ابوزهره در کتاب معجزه بزرگ خویش چنین بیان می‌دارد:

«اجماع علماء بر این است که ترتیب آیات بر حسب ترتیب نزول بوده است و آیاتی که نازل می‌شد پیامبر (ص) بر کاتبان وحی می‌فرمود که آیه را در فلان وضع از آیات قرار دهید، ایشان بیان می‌دارند که این خود نوعی اعجاز است و این دلالت بر نظارت پیامبر بر ترتیب آیات دارد. هم‌چنین اجماع شده است در آخرین سال‌های عمر پیامبر (ص) که جبرئیل قرآن را عرضه کرد ترتیب آیات به همان ترتیب نزول بود» (ابوزهره، ۱۳۷۹ش، ص ۳۴).

سیوطی در الاتقان بیان می‌کند که آن چه از نص (روایات) است دلالت بر توقیفی بودن را دارد و اما اجماع را زرکشی در البرهان هم نقل کرده است، و ترتیب آیات توقیفی بوده، به دستور پیامبر (ص) صورت گرفته است. از ظاهر سخن ایشان به این پی می‌بریم که این افراد نیز به توقیفی بودن نظر دارند (ابوسلیمان، ۱۴۲۰ق، ص ۶۵؛ حفناوی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۱-۵۹؛ جدیع، ۱۴۲۷ق، ص ۱۱۹-۱۱۵).

برای نمونه می‌توان به منابع زیر که معتقد به توقیفی بودن ترتیب دارند اشاره نمود لذا برای جلوگیری از طولانی شدن مطالب به ذکر منابع بسنده می‌کنیم: (قرطبی، ۱۳۶۵ش، ص ۶۰؛ شلتوت، ۱۳۹۴ش، ص ۶۰۴؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۴؛ باقلانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۴؛ محمد رافت، ۱۴۲۲ق، ص ۵۶-۵۷؛ آبیاری، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۶؛ بغوی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۲۲-۵۲۱؛ عتر، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰).



۱-۳. بررسی دلایل و نظرات اهل سنت بر توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن

اهل سنت برای اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات بیشتر روایات را نقل می‌کنند و هم‌چنین تأکید آن‌ها روی مسئله اجماع می‌باشد که علمای اهل سنت بر این اتفاق نظر دارند بنابر دلایل تاریخی پیامبر سوره‌ها را در نمازها و موعظه‌ها و سخنرانی‌ها می‌خواندند پس با توجه به این مسئله باید دانست که حتماً سوره‌ها در زمان خود پیامبر تکمیل شده و ترتیب آن‌ها در سوره‌ها مشخص بوده است اگر این ترتیب وجود نداشت چطور پیامبر سوره‌های را در نمازها و سخنرانی‌ها یا جلسات حفظ قرآن یا جلسات عمومی و خصوصی می‌خواندند پس بنابراین باید ترتیبی باشد تا حفظی بر مبنای آن صورت بگیرد یا اینکه صحابه آیات قرآن را بر پیامبر عرضه می‌کردند باید ترتیبی بود تا این مسائل به وجود آید اهل سنت به شدت بر این عقیده می‌باشند که هیچ قیاس و اجتهادی مبنی بر این مسئله صورت نگرفته است و روایاتی که در زمان عثمان بوده که اصلاً در زمان عثمان جابه جایی در ترتیب آیات صورت نگرفته است و آیات به همان صورت در سوره‌ها که در زمان خود پیامبر بوده به همان صورت می‌باشد و هم‌چنین معتقدند قرآن در آخرین لحظات زندگی پیامبر دوبار عرضه شد که در این دوبار به یک صورت بود پس با توجه به این مسائل مسئله توقیفی بودن از منظر اهل سنت اثبات می‌شود.

۴. اجتهادی بودن ترتیب آیات از دیدگاه اهل سنت

در منابع اهل سنت افرادی را پیدا نکردیم که قائل بر اجتهادی بودن ترتیب آیات باشند.

نتایج تحقیق

با ژرفاندیشی و تحلیل منابع و گزارش‌های مربوط به این مسئله می‌توان گفت شیعه و اهل سنت در مورد توقیفی بودن ترتیب آیات در زمان خود پیامبر هم نظر می‌باشند و علماء بر این موضوع مهر تأیید زده‌اند. این موضوع به دو گروه تقسیم شده بود که با بررسی و تحلیل موارد مربوط به معتقدان اجتهادی نظر و دلیل قابل اعتنایی وجود نداشت تا مسئله اجتهادی بودن را اثبات کند.

هم‌چنین بیان شد اکثر افرادی که قائل به اجتهادی بودن ترتیب آیات هستند یا از اخباریون می‌باشد که بدون بررسی احادیث، تمام روایات را قبول می‌کنند یا افرادی که قائل به تحریف و

تقطیع قرآن می‌باشند. به جز افرادی که بررسی شد جزء قائلان به تحریف نمی‌باشند نظیر شیخ مفید، علامه مجلسی، علامه طباطبایی و ... یا در مورد مصحف حضرت علی (ع) سخن می‌گویند که با بررسی سخنان آنان دریافته شد که ترتیب آیات مصحف حضرت علی (ع) با قرآن کنونی یکسان می‌باشد.

با بررسی بیش از پیش این موضوع به بحث بسیار مهم وجود تناسب آیات در قرآن می‌رسیم زیرا اگر معتقد به توقیفی بودن ترتیب آیات باشیم به وضوح تناسب آیات نشان داده می‌شود. بحث اعجاز در این مسئله نیز در مورد آیات قرآنی دیده می‌شود که هیچ تغییری در ترتیب بندی که مدنظر خداوند بوده است، ایجاد نشده است. در مورد بعضی از آیات که گفته شده بود اجتهادی می‌باشند با توجه به دلایل مختلف اثبات کردیم که این آیات نیز توقیفی می‌باشند و با صدر و ذیل آیات ارتباط دارند و اگر هم متفوق نازل شده باشند، با دستور پیامبر جای گذاری شدند.

در نهایت با بررسی و ارزیابی منابع شیعه و اهل سنت دانسته شد که هر دو قائل به جمع توقیفی می‌باشند و دلایل محکم خویش را دارند که دلایل آن‌ها را نیز در کنار دلایل قائلان به اجتهادی بودن بررسی کردیم که در نهایت دانسته شد اتفاق نظر شیعه و اهل سنت بر مسئله توقیفی بودن می‌باشد و مسئله توقیفی بودن دلایل محکم خویش را دارد که در بررسی نظرات فریقین به این نتیجه رسیدیم.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آبیری، ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، الموسوعه القرآنیه، قاهره: موسسه سجل العرب.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۶۹ش)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (بی‌تا)، سعد السعود للنفس منضود، قم: دارالذخائر.
- ابوزهره، محمد، (۱۳۷۹ش)، معجزه بزرگ، مترجم: محمود ذبیحی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
- ابوسلیمان، صابر حسن محمد، (۱۴۲۰ق)، اضواء البیان فی تاریخ القرآن، ریاض: دارعالم الکتب.
- ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۱ش)، قرآن اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین.

- ایوب، حسن، (۱۴۲۵ق)، *الحديث في علوم القرآن والحديث*، اسکندریه: دارالسلام.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب، (۱۴۲۲ق)، *الانتصار القرآن*، بیروت: دارالفتح.
- بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ق)، *البرهان في تفسير القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید محمدابراهیم، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر جامع*، تهران: انتشارات صدر.
- بغوی، حسین بن محمد، (۱۴۰۳ق)، *شرح السنه*، محقق: ارناووط شعیب و محمد زهیر شاویش، بیروت: المكتب الاسلامی.
- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۳ش)، *مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم*، قم: التمهید.
- جدیع، عبدالله بن یوسف، (۱۴۲۷ق)، *المقدسات الاساسیه في علوم القرآن*، انگلیس: الجدیج للبحوث والاستشارات.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، *النور المبین*، قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
- حجتی، محمد باقر، (۱۳۸۶ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن، م حمدعلی، (۱۴۲۱ق)، *المنار في علوم القرآن مع مدخل في اصول تفسیر و مصادر*، بیروت: موسسه الرساله.
- حفناوی، محمد ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، *دراسات اصولیه في القرآن الکریم*، اسکندریه: مکتبه و مطبعه الاشعاع الفنیه.
- حکیم، سید محمدباقر، (۱۳۷۸ش)، *علوم قرآنی*، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- خامه گر، محمود، (۱۳۸۶ش)، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- خویی، سیدابوالقاسم، (۱۳۸۲ش)، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رادمنش، سید محمد، (۱۳۷۴ش)، *آشنایی با علوم قرآن*، تهران: علوم نوین.
- رامیار، محمود، (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، (بی تا)، *مناهل العرفان*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- زرکشی، محمدبن بهادر، (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، محقق: جمال حمدی ذهبی، ابراهیم عبدالله کردی، یوسف عبدالرحمان مرعشی، بیروت: دارالمعرفه.
- زمانی، محمد محسن، (۱۳۸۵ش)، *مستشرقان و قرآن*، قم: بوستان کتاب.
- زنجانی، ابوعبدالله، (۱۳۹۱ش)، *ابوعبدالله زنجانی و تاریخ قرآن*، مترجم علی محمدی، تهران: خانه کتاب.
- سعیدی روشن، محمدباقر، (۱۳۷۹ش)، *علوم قرآن*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سید مرتضی، (۱۴۱۱ق)، *الذخیره فی علم الکلام*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- سیدرضی، محمدبن حسین، (۱۴۰۶ق)، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، بیروت: دارالاضواء.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق فواز احمد زمزلی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، لبنان: دارالشروق.
- شبر، سید عبدالله، (۱۴۰۷ق)، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین*، کویت: مکتبه الالفین.
- شلتوت، شیخ محمود، (۱۳۹۴ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، قاهره: دارالشروق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۸ش)، *قرآن در اسلام*، مصحح: هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین و حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران: ناصر و خسرو.
- عاملی، جعفر مرتضی، (بی تا)، *حقایق هامه حول القرآن الکریم*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- عباس، فضل حسن، (۱۴۲۷ق)، *المفسرون مدارسهم و مناهجهم*، اردن: دارالنفائس.
- عتر، نورالدین، (۱۴۱۶ق)، *علوم القرآن الکریم*، دمشق: مطبعه الصیاح.
- عسکری، سیدمرتضی، (۱۴۱۶ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران: مجمع العلمی الاسلامی.
- علاف، ادیب، (۱۴۲۰ق)، *البیان فی علوم القرآن*، دمشق: دارالفارابی للمعارف.
- فخررازی، محمدبن عمر، (۱۴۱۱ق)، *تفسیر کبیر*، لبنان: داراحیاء التراث العربی.

- فقهی زاده، جعفر مرتضی، (۱۳۷۴ش)، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- قمی نیشابوری، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر قمی*، محقق: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب.
- کمالی دزفولی، علی، (۱۳۷۰ش)، *شناخت قرآن*، تهران: اسوه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محدث خراسانی، علی، (۱۳۷۲ش)، *خورشید تابان در علم قرآن*، مشهد: آستان قدس.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۲۹۸ق)، *فصل الخطاب*، بیروت: دارین حزم.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی، (بی تا)، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، بیروت: موسس آل بیت.
- محمد رافت، سعید، (۱۴۲۲ق)، *تاریخ نزول قرآن کریم*، مصر: دارالوفاء.
- معارف، مجید، (۱۳۷۶ش)، *پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ قرآن و علوم قرآنی*، تهران: کویر.
- معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۳ق)، *صیانه القرآن من تحریف القرآن*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق)، *اوائیل المقالات*، قم: کنگره شیخ مفید.
- میر محمدی زرنندی، سید ابوالفضل، (۱۳۷۷ش)، *تاریخ و علوم قرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نکونام، جعفر، (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ گذاری آیات قرآن*، تهران: هستی نما.
- واحدی، علی بن احمد، (۱۳۸۳ش)، *اسباب النزول*، مترجم: علی ذکاوتی قراگزلو، تهران: نشر نی.
- هاشمی خویی، میرزاحبیب الله، (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکمله منهاج البراعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Ayazi, Mohammad Ali, (1381), The Qur'an is an eternal work, Rasht: Kitab Mobin, Bina.

Ibn Tavus, Ali Ibn Musa, (Bita), Saad al-Saud Llanfus Manzoud, Qom: Dar al-Zhaer, first edition.

Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali, (1369), Mutshabaab al-Qur'an and Varifah, Qom: Bidarchap I, vol.2.

Abu Zahra, Muhammad, (1379), The Great Miracle, translated by Mahmoud Zabihi, Holy Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, Bina.

Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 A.H.), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem wal-Saba al-Mathani, scholar Ali Abdulbari Attiyah, Lebanon (Beirut): Dar al-Kutb al-Alamiya, Muhammad Ali Bizoun's Manifesto, Bina, vol.1.

Irrigation, Ibrahim, (1405 AH), Al-Musua al-Qur'aniyah, Cairo: Sajal al-Arab Institute, Bina.

Ayoub, Hassan, (1425 AH), Hadith in the Sciences of the Qur'an and Hadith, Alexandria (Egypt): Dar al-Salam, Bina.

Abu Suleiman, Saber Hassan Muhammad, (1420 A.H.), Adwa al-Bayan fi Tarikh al-Qur'an, Riyadh (Arabia): Dar Alam al-Kitab, Bina.

Behjatpour, Abdul Karim, (2013), the skills of interpreting the surahs of the Holy Quran, Qom: Al-Tamhid, Bina.

Bahrani, Seyyed Hashim, (1416 AH), Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Ba'ath Foundation, first edition, vol.1.

Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim, (1366), Tafsir Jame, Tehran: Sadr Publications, 6th edition, vol.1.

Baghalani, Abu Bakr Muhammad bin Al-Tabeeb, (1422 AH), Al-Intisar al-Qur'an, Amman (Beirut): Dar al-Fath, Bina, vol.1.

Baghvi, Hossein bin Muhammad, (1403 AH), Sharh al-Sunnah, scholar Arnawut Shoaib, Mohammad Zuhirshawish, Beirut: Al-Maktab al-Islami, Bina, vol.5.

Jazayeri, Nematullah bin Abdullah, (1404 AH), Al-Noor al-Mubin, Qom: Ayatollah Marashi Bookstore, first edition, Bina.

Jadee, Abdullah bin Yusuf, (1427 AH), al-Maqdisat Al-Asasiyah fi Uloom al-Qur'an, Leeds (England): Jadee for research and consultation, Bina.

Javadi Amoli, Abdullah, (1385), Tafsir Tasnim, Qom: Israa, Bina, vol.6.

Hojjati, Mohammad Baqir, (2006), A Study in the History of the Qur'an, Tehran: Islamic Culture Publishing House, 25th edition.

- Hakim, Seyyed Mohammad Baqer, (1378), Quranic Sciences, Tehran: Tebian Publishing Cultural Institute, Bina.
- Hafnawi, Muhammad Ibrahim, (1422 AH), in Asat Usuliyyah fi Qur'an al-Karim, Alexandria (Egypt), Maktaba and Mataba Al-Isha'a al-Faniyah, Bina.
- Hassan, Muhammad Ali, (1421 AH), al-Manarfi al-Ulum al-Qur'an with the entry in the principles of interpretation and appropriation, Beirut (Lebanon): Al-Rasalah Institute, Bina.
- Khamegar, Mahmoud, (1386), Geometrical Structure of Quranic Surahs, Tehran: Islamic Propaganda Organization, International Printing and Publishing Company, Bina.
- Khoei, Seyyed Abolqasem, (2012), Saying in the sciences and general issues of the Qur'an, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization, Bina.
- Ramyar, Mahmoud, (1369), History of the Qur'an, Tehran: Amir Kabir, third edition.
- Radmanesh, Seyyed Mohammad, (1374), Getting to know Quranic sciences, Tehran: Novin Sciences/Jami, 4th edition.
- Zanjani, Abu Abdullah, (1391), Abu Abdullah Zanjani and the history of the Qur'an, translated by Ali Ali Mohammadi, Tehran: Khane Kitab, Bina.
- Zamani, Mohammad Mohsen, (1385), Orientalists and the Qur'an, Qom: Bostan Kitab, first edition.
- Zarqani, Mohammad Abd al-Azeem, (B.T.A.), Manahel Al-Irfan, Beirut (Lebanon): Darahia al-Trath al-Arabi, Bina, vol.2.
- Zarkashi, Muhammad bin Bahadur, (1410 AH), al-Burhan fi Ulum al-Qur'an, researcher Jamal Hamdi Zahabi, Ibrahim Abdullah Kurdi, Yusuf Abdurrahman Marashi, Beirut: Dar al-Marafa, Bina, vol.1.
- Syed Morteza, (1411 AH), Al-Dukhirah fi Alam al-Kalam, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, Bina.
- Saidi Roshan, Mohammad Baqer, (1379), Quran Sciences, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, second edition.
- Seyyed Razi, Muhammad bin Hossein, (1406 AH), Talkhis al-Bayan fi al-Qur'an Punishment, Beirut: Dar al-Azwa, second edition.
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, (1421 AH), Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an, scholar Fawaz Ahmad Zamrali, vol. 1, Bina, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- Shazli, Seyyed bin Qutb bin Ibrahim, (1425 AH), in the shadows of the Qur'an, Lebanon: Dar al-Shuruq, 35th edition, vol.
- Shaltut, Sheikh Mahmoud, (2014), Tafsir al-Qur'an al-Karim, Cairo: Dar al-Shoroq, Bina, vol.6.

- Shabar, Seyyed Abdullah, (1407 AH), Al-Jawhar al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin, Kuwait: Maktaba al-Alfin, first edition, vol.3.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), translation of Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, corrected by Fazlullah Yazdi Tabatabai, Hashem Rasouli, Tehran: Nasser and Khosrow, third edition, vol.2.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Jamia Madrasin and Qom Islamic Faculty, fifth edition, vol.5 and 12.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1388), Qur'an in Islam, corrected by Khosrowshahi, Qom: Bostan Kitab, Bina.
- Ameli, Jafar Morteza, (B.T.A.), Haqaiq Hama around the Holy Qur'an, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, Bina.
- Askari, Syed Morteza, (1416 AH), Al-Qur'an Al-Karim and Narratives of Al-Madrasteen, Tehran: Al-Elami Al-Islami Assembly, Bina, vol.1.
- Alaaf, Adib, (1420 A.H.), Al-Bayan fi Ulum al-Qur'an, introduction by Muhammad Ratb Nabulsi, Damascus: Dar al-Farabi for Knowledge, Bina.
- Attar, Noor al-Din, (1416 AH), Sciences of the Holy Qur'an, Damascus: Al-Syah Press, Bina.
- Abbas, Fazl Hasan, (1427 AH), al-Mufsarun al-Madarasham wa Manahjaham, Jordan: Dar al-Nafais, Bina.
- Faqhizadeh, Jafar Morteza, (1374), A Study in the Order of the Qur'an, Tehran: Academic Jihad of Tehran University, Bina.
- Fakhrazi, Muhammad bin Omar, (1411 AH), Tafsir Kabir, Lebanon: Darahiya al-Trath al-Arabi, third edition, vol.3.
- Qomi, Ali bin Ebrahim, (1363), Tafsir Qomi, Mohagheg Tayyab Mousavi Jazayari, Qom: Dar al-Katab, third edition, vol. 1.
- Qomi-Nishabouri, Hasan bin Muhammad, (1416 AH), Gharaib Al-Qur'an and Gharaib Al-Furqan, Beirut: Dar al-Kutb Al-Alamiya, first edition, vol.1.
- Kamali Dezfouli, Ali, (1370), Knowing the Qur'an, Tehran: Asveh, Bina.
- Nekonom, Jaafar, (2010), an introduction to the dating of Quranic verses, Tehran: Hasti Nama, Bina.
- Marfat, Mohammad Hadi, (1415 AH), Talmhid fi Ulum al-Qur'an, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, second edition, vol.1.
- Marfat, Mohammad Hadi, (1413 A.H.), Sayanah Al-Qur'an Man Tahrif Al-Qur'an, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, Bina.
- Mohammad Rafat, Saeed, (1422 AH), The History of the Revelation of the Holy Quran, Egypt: Darulufa, Bina.
- Ma'arif, Majid, (1376), questions and answers in understanding the history of the Qur'an and the sciences of the Qur'an.